



چالش گنج یابی

فرمانده یگان حفاظت میراث‌فرهنگی، توهم یافتن گنج تبدیل به یکی از چالش‌های حفاظت از میراث‌فرهنگی شده‌است.

۲۲

• پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۱۴۰۲ شوال ۱۴۴۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۷۶۳

هلمشاه کجک جامعه



بررسی مغز برای کشف رازهای مرگ

دانشمندان در حال انجام مطالعاتی هستند تا فعالیت مغز را در لحظات پایان زندگی، موشکافی کنند.

۲۴

نقل قول

نیاز به ترویج طب ایرانی داریم

حسین رضای زاده، معاون توسعه سلامت دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت

باید با ترویج **آموزه‌های** درست و علمی طب ایرانی به سمت جامعه سالم تر و پویاتر حرکت کنیم تا بروز و شیوع بیماری‌ها کاهش یافته و سطح و کیفیت سلامتی هم ارتقا پیدا کند. اگر به دنبال داشتن جامعه سالم باشیم باید با ترویج آموزه‌های درست و مستند و علمی طب ایرانی، خصوصاً برای نسل بعدی و گسروه مخاطب کودک، نوجوان و جوانان، با زبان گویا و شیوای امروزی که متناسب با شرایط جوامع شهری و صنعتی امروزی باشد، به سمت جامعه سالم‌تر و پویاتر حرکت کنیم تا بروز و شیوع بیماری‌ها کاهش یافته و سطح و کیفیت سلامتی نیز ارتقا پیدا کند.

■ ■ ■

■ ■ ■

بار گذاری ۷۹نوع بیماری خاص و صعب‌العلاج در سامانه بیمه سلامت ایران

امیرحسین حبیبیان، مدیرکل آمار و مهندسی اطلاعات سازمان بیمه سلامت ایران تاکنون ۷۹نوع بیماری خاص و صعب‌العلاج در سامانه بیمه سلامت ایران بارگذاری و تعریف شده‌است. این بیماران می‌توانند از خدمات این صندوق استفاده کنند و در این میان بیماران موکویلی ساکاریدوز جزو پرهزینه‌ترین بیماران براساس نسخ سرپایی دارو هستند از مبتلایان این نوع بیماری تاکنون ۲۳۸ نفر در سامانه ثبت شده‌اند. در ۶ماه گذشته این بیماران ۱۲۹بار مراجعه برای نسخ‌سرپایی داشتند که نزدیک به ۲۵میلیارد تومان هزینه به‌خود اختصاص داده‌اند.

■ ■ ■

ایجاد ۴۲۰هزار فرصت شغلی توسط کمیته امداد

مرقسفی فیروزآبادی، معاون اشتغال و خودکفایی کمیته‌امداد

سال گذشته با ایجاد ۴۲۰هزار فرصت شغلی توسط کمیته‌امداد، ۸۴درصد برنامۀ اشتغال مددجویان محقق شد. در این مدت در مجموع ۲۴هزار میلیارد تومان از منابع مختلف جذب شد و به حوزه اشتغال اختصاص یافت که اتفاق مهمی است هم از جهت مقایسه نسبت به سال پیش از آن و هم در مقایسه با دستگاه‌های فعال در این زمینه. نشان از پیشرفت دارد.

■ ■ ■

سرطان، مهم‌ترین معضل حوزه سلامت

محمداسماعیل اکبری، رئیس مرکز تحقیقات رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دومین دلیل مرگ ایرانیان بیماری سرطان است که بالاترین بار هزینه را برای دولت، خیریه‌ها و مردم به‌همراه دارد و از نظر روانشناختی اجتماعی نیز مهم‌ترین معضل در کل، سلامت محسوب می‌شود. از همین رو معضل سرطان از اهمیت بالایی برخوردار است. خوشبختانه مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که بیش‌کترین مولوی‌تا ملاحوش‌بندی‌های عدلی‌لیاس‌های پایانی هم به‌صحب‌هایش اضافه می‌کند: «در اتاقک‌های بالای گاراژ تعدادی کارگر هستند که لباس‌های فصل‌را از لباس‌های استوک جدا می‌کنند.»

کوچه امین‌الدوله می‌شوند؛ باغچه‌ای پر از کپه‌ها و تل‌های لباس که حالا به گواه مشاهدات میدانی و اظهارات مستشتری‌ها، کهنه‌تر و بدبو‌تر از قبل شده‌اند؛ لباس‌هایی که در اغلب موارد نمی‌توان حتی نام دست دوم یا چندم را روی آنها گذاشت.

محله مولوی است که مشتری‌های ثابت آن از هر منطقه و محله تهران به‌سویش سرازیر می‌شوند؛ مستشتری‌هایی از اقبشار مختلف جامعه که به بهانه‌هایی مانند توان مالی محدود یا مارک پوشی با صرف یک پنجم هزینه‌وارد باغچه در انتهای

سحر جعفریان روزنامه‌نگار

گاراژ باغچه نام یکی از قدیمی‌ترین بازارهای فروش لباس‌های دست‌دوم ایرانی و خارجی در

مستعمل‌فروشی و دست‌دوم‌پوشی از کی و کجا؟

ماجرای لباس‌های دست‌دوم خارجی به حدود شهریور سال ۱۳۲۰ یعنی کمی پیش از ۸۰سال پیش بازمی‌گردد؛ به زمانی که آتش جنگ جهانی دوم در ایران نیز روشن شد و به سبب وضعیت اقتصادی نابسامان آن روزگار، اغلب مردم در تأمین مایحتاج زندگی خود دچار مشکل شدند. برخی اما از این فرصت استفاده کردند و با واردات لباس‌های دست دوم، کسب‌وکاری برای خود به راه‌انداختند که با کمی تغییرات، هنوز هم در گوشه و کنار شهر دیده می‌شود. فروشندگان لباس‌های دست دوم و قله‌ای، آن‌سال‌ها دعا می‌کردند لباس‌ها را از اروپا با کشتی به بیروت و از بیروت نیز به بندر جنوبی ایران منتقل می‌کنند؛ لباس‌هایی که عادت مارک‌پوشی را به جان بسیاری افراد از میان اقبشار متوسط جامعه انداخته بود و بعد از آن هم میان بساط دستفروشان و رگال‌های گزارداران منتقل می‌شد؛ لباس‌هایی وحدت‌اسلامی (فعلی) و خیابان‌ناصریه (ناصرخسروقلی) بسیار دیده شدند. البته در دهه ۷۰سای‌های بیروتی، لباس‌های تاناکو نام گرفتند. علت آن نیز اقبال گسترده سریال «سال‌های دور از خانه» و «اوشین» از سوی مخاطبان تلویزیون بود. اوشین همان که کرکه مغازه فروش لباس‌های دست‌دوم را بالا داده بود تا به نوعی امرارمعاش کند. در گذر این سال‌ها فروشندگان دوره‌گرد و بساط‌گستر لباس‌های دست دوم، تقریباً یکجانشین شدند و برای خودشان مغازه و واحد تجاری رو به راه کردند اما با این حال صنف خاص و ویژه‌ای زیر بار پذیرش رسمی آنها نرفت.

راه‌های زیادی به باغچه ختم می‌شود

حالا دیگر لباس دست‌دوم‌فروشان در همه جای شهر دیده می‌شوند؛ از خیابان آذربایجان و سلسبیل گرفته تا میدان گمرک و از خیابان رسالت گرفته تا میدان ولیعصر. اما با این حال «گاراژ باغچه» در کوچه امین‌الدوله محدوده مولوی قهصه دیگری دارد؛ گاراژی در نزدیکی بازار سیداسماعیل یکم و دوم که آن نیز به مرکزی برای فروش اجناس دست‌دوم معروف است. بستگی دارد از کجا بخواهید راهی گاراژ باغچه شوید. از چهارراه مولوی که آن وقت باید خود را ابتدا به بازار حضرتی و کوچه غفاری

خانم‌ها، آقایان! به ته دنیا خوش آمده‌اید..

گشت‌وگذار در باغچه امین‌الدوله؛ قدیمی‌ترین گاراژ مستعمل‌فروشی پایتخت

■ ■ ■

جای نظارت و پیگیری مشکل در باغچه خالی است؛ مشکلی که ناشی از فروش لباس‌های غیربهداشتی، سرقتی و... است یا لباس‌ها و اشیاء جمع‌شده از میان زباله‌ها. گزارش زیر حاصل چند ساعت گشت‌وگذار در گاراژ باغچه و کوچه‌های اطراف آن است.

که می‌شویم بی‌معلولی فریاد می‌زند: «گذر کنی، ضرر کنی.» بعد هم یکی از بهترین لباس‌های بساطش را برمی‌دارد و به اجبار می‌دهد دست یکی از رهگذران و می‌گوید: «گناه کن؛ خدایی کجا می‌توانی با ۱۰هزار تومان مارک زارا بخری؟» رهگذر هم با بی‌میلی لباس را اندکی وارسی می‌کند و می‌گوید: «حالا به دوری می‌زنم و برمی‌گردم.» پسر جوان که دل خوشی از این عبارت ندارد، زیرلب غرورندگنان می‌گوید: «دور زدن‌ها و برگشتن‌هایتان را هم دیده‌ایم»- در ازای خرید یکی، دو تا از خنزرینزرها باساطش به سؤالاتمان کوتاه پاسخ می‌دهد: «۱۰ تا سال پیش بیشتر لباس‌های باغچه واقعاً خارجی و درست و حسابی بودند، ولی از وقتی مستشتری‌ها توان مالی‌شان کمتر شده فروشنده‌گان هم ترجیح داده‌اند لباس‌هایی با قیمت پایین‌تر بیاورند تا برایشان صرفه اقتصادی داشته باشد؛ لباس‌هایی که راستش یا دزدی هستند یا زباله‌گرد‌ها از سطل‌های زباله پیدا کرده‌اند. البته یکی، دو نفر از فروشندگان اینجا هستند که لباس‌های بساطشان را از خانه‌های تفکیکی مولوی، کیلویی می‌خرند و می‌آوردن باغچه.» در توضیح خانه‌های تفکیکی هم می‌گوید: «در خانه‌های تفکیکی افرادی هستند که با مراجعه حضوری به منازل، لباس‌های بدون استفاده و دست‌دوم مردم را می‌خرند. اگر لباس سالم باشد و در حد نو، همین یک کوچه پایین‌تر با هزار تومان اتو کشی می‌کنند و گران‌تر می‌فروشند. البته لباس‌های بساط من از هدیه‌های کریمسن است که خارجی‌ها به کلیسایشان اهدا می‌کنند.»

مستشتری‌های باغچه چه می‌گویند؟

صدای دعوا و درگیری به گوش می‌رسد. جلودر،

نسبت می‌دادند.» صدای بی‌رمق دیگری هم مدام به گوش می‌رسد که «نگاه کن، سواکن؛ فقط ۵هزار تومان!» با شنیدن این صدای بی‌رمق، بعضی از مستشتری‌ها توقفی می‌کنند تا بساط‌ها را با هدف یافتن لباس موردنظرشان کمی جست‌وجو کنند. ابراهیمی می‌گوید: «مستشتری‌های باغچه نسبت به قبل تغییر کرده‌اند. تا پیش از این مردم عادی بسیار می‌آمدند اینجا برای خرید؛ چون می‌دانستند که در بساط یکی از این دستفروشان هم که شده لباس تقریباً نو، خارجی و شاید هم مارک پیدا می‌کنند، اما حالا بیشتر افراد معتمد، کارتن‌خواب، مسافران شهرستانی و اتباع به باغچه سر می‌زند.» کمی جلوتر، فروشندگانی با بساطشان که کپه‌های لباس است یک پیچ به سمت چپ ایجاد کرده‌اند. تعدادی از مستشتری‌ها خانم هستند. یکی‌شان لباس‌ها را زیر و رو می‌کند و دیگری انگار که دوستش است، می‌گوید: «لباس‌هایش تفریفی نیست؛ بیا برویم سراغ همان بساطی همیشه می‌باشی» فروشنده هم برای اینکه مستشری‌ها را از دست ندهد، دست‌هایش را چند باری محکم به هم می‌کوبد و می‌گوید: «کجا بروی خانم؟ از ران‌تر از این بساطی نمی‌توانی در باغچه پیدا کنی! لباسی ۴هزار تومان، گران است؟ ۴هزار تومان می‌دهی و نونوار می‌شوی!»

لباس‌های ۴هزار تومانی تَه دنیا!

برای ورود به باغچه از دالان کوتاه و تاریکی می‌گذریم. یک طرف دالان، گونی‌های فشرده شده از لباس‌های بد بو قرار گرفته و طرف دیگر پتوهای رنگ و رو رفته دیده می‌شوند. بمریزد کپه‌ه پوشی بساطی خاص خطاب به مستشتری‌ها می‌گوید: «اینجا تَه دنیاست، خانم‌ها و آقایان به تَه دنیا خوش آمده‌ید.» ابراهیمی توضیح می‌دهد: «از قدیم اصطلاح تَه دنیا را به گاراژ باغچه

داستان باغچه‌ای که گاراژ شد

سعید روشن، تهران‌پزوه درباره گاراژ باغچه به‌همشهری می‌گوید: «فروش لباس‌های دست‌دوم از اواسط دهه ۴۰در تهران مرسوم شد؛ زمانی که در نقاط مختلفی از جمله نقاط مرکزی شهر مکان‌هایی شد. با مرور زمان که لباس‌های دست‌دوم وارداتی جایش را به لباس‌های دست‌دوم دزدی یا مستعمل‌های باز یافتی داد، مردم به اماکنی که این لباس‌ها در آنها فروخته می‌شد، می‌گفتند سلطان‌بازار.» روشن ادامه می‌دهد: «یکی از ران اماکن گاراژ باغچه است که قدمت آن نیز به حدود ۵۰سال پیش بازمی‌گردد؛ به زمانی که حوالی منطقه ۱۲تهران پر بود از باغ و باغچه. در آن زمان بسیاری از این باغ و باغچه‌ها تغییر کاربری هم می‌دادند و می‌شدند گاراژهایی برای دادوستد یا جابه‌جایی انواع کالا. یکی از آنها، گاراژی بود در انتهای کوچه امین‌الدوله که پیشینه‌ملک وزمینش را به دوران میرزا امین‌الدوله قاجاری نسبت می‌دهند و چون ابتدا آنجا باغچه‌ای سرسبز بود همین نام نیز بر آن ماند؛ گاراژ باغچه.»

مکت